

آینه‌های روبه‌رو

نگاهی به «روزهای زندگی»

عقبگرد در زمان

محمدرضا مقدسیان

■ «روزهای زندگی» به‌طرزی باورنکردنی به‌نمونه‌ای مستعمل و به شدت زخمناشده از گونه به اصطلاح سینمای جنگ می‌ماند و بیشتر ادای دینی است به کلیشه‌های به تاریخ پیوسته سینمای سفارشی و جنگی دهه ۶۹ و آثار ماندگار آن. روزهای زندگی به مسافری در زمان می‌ماند که پس از پشت سر گذاشتن خوابی بلند و عمیق و از پس سال‌های دهه ۷۰ و ۸۰ خورشیدی بیدار شده و بر پرده سینما نقش بسته است. به طرزی باورنکردنی تمام مشخصه‌های سینمای شعارزده و احساسات‌گرایانه دهه ۶۰ در این اثر به چشم می‌خورد. این همه اما در تناقض با اتمسفر بیرون از سینما و با تکیه بر روحیات و احوالات مخاطبان احتمالی نتیجه‌ای جز دافعه و برانث از کهنگی و فرسودگی به ارمان نمی‌آورد.

بهترین تجربه‌های سینمای جنگ ایران در همان سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ ظهور پیدا کرد و البته نمونه‌هایی به شدت شاخص و ماندگار هم خلق شد. سینماگران بزرگی هم در این بستر مجال ظهور و بروز یافتند و بعدها بزرگان سینما لقب گرفتند. در شرایط ویژه‌ای که بر اجتماع ایرانی حاکم بود و درگیری تمام اقشار اجتماع به صورت مستقیم و غیرمستقیم را در پی داشت، طبیعی بود که هنرمند بر خاسته از دل همین اجتماع برای واکنش نشان دادن به همین شرایط فضای فیلمسازی‌اش را به سمت آثار مرتبط با این موضوع سوق دهد و در آن حیطه که به شدت با شرایط ارتباط اجتماعی و زمانی و مکانی اثر همخوانی داشت به خلق اثر بپردازد. نکته اما اینجاست که همان سینماگران بزرگی که در آن دوره سینمای جنگ را بر گزیده بودند در سال‌های پس از جنگ با جریان اجتماع و واقعیت‌های تازه آن همراه شدند و به سمت خلق آثار بر خاسته از شرایط زمانی و مکانی اجتماع اطراف رفتند و (فارغ از اینکه چه میزان موفق بودند یا خیر) به خلق اثر پرداختند حتی در ادامه همین همراهی و همسویی فیلمسازان تازه با نگاهی نو به مساله جنگ ورود پیدا کردند و آثار شاخصی را تصویری کردند (مثل محمدعلی باشه‌آهنگر و…) اما «روزهای زندگی» به وضوح بی‌ارتباط با زمانه خودش به نظر می‌رسد و بیشتر به بازسازی نمونه‌های متوسط سینمای جنگی دهه‌های گذشته می‌ماند. نخبه‌ناشدگی در تار و پود این فیلم موج می‌زند. فرسودگی در ایده خام‌دستانه فیلمنامه و سهل‌انگاری در پرداخت منسجم و قوام‌یافته داستانک‌های فرعی یا حتی مشکل ساده‌انگاری در پرداخت روابط علی و معلولی به لایه‌های نداشته داستانی‌اش ریشه دوانده و همین خصوصیت در نحوه بازی بازیگران اسم و رسم‌دار این اثر رسوخ کرده است. همین رویکرد است که بازیگران را به بیان دیالوگ‌های وا می‌دارد که به سختی در زبان می‌گردند و در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که مجال بروز بازی ماندگار را از بازیگران اثر سلب می‌کند؛ حال بماند که چرا هنگامه قاضیانی که بازی‌های بسیار بهتر و دوست‌داشتنی‌تری از او به یاد داریم به دلیلی ایفای نقش در این اثر برنده سیمرغ بهترین بازیگر زن جشنواره فجر می‌شود!

سیر «روزهای زندگی» در روزهایی که قبل‌از زندگی شده، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس اثر را بر آن می‌دارد تا برای پیشبرد داستان و فیلمنامه از حربه‌های تبلیغاتی موثر در دوران جنگ و این روزهای بی‌اثر برای تهییج مخاطب بهره ببرند. در همین مسیر است که شاهد موقعیت‌هایی به‌شدت گل‌درشت برای تهییج مخاطب و همراه و همسو کردنش با مساله خاتمان‌سوز جنگ هستیم. در همین دالان زمانی مربوط به روزهای گذشته است که شاهد تکیه بر منطق بی‌منطقی و برون‌داد رفتارهایی بر گرفته از احساسات‌گرایی‌های بالابودیی برای به اصطلاح نمایش ایثار و رشادت و فداکاری هستیم. در ادامه همین روند است که باید دیالوگ گل‌درشت «ااا مسلم! انت مسلم» را برای نمایش بیانیه‌گون داستان بنی‌آدم اعضای یکدیگرند به شکلی بی‌ربط با معنای کلی اثر و صرفا باز هم جهت برانگیختگی لفظای احساسات مخاطب برای هدف نمی‌دانم چه، تاب بباوریم. بر این محذوده از کنش و واکنش‌های داستانی است که مخاطب نمی‌تواند از گل‌درشت طرح داستانک دکتر جوانی که از حضور در منطقه جنگی نازاضی است و چگونگی اثربخشی‌اش در پیشبرد درام سردر بی‌آورد. تماشاگر نمی‌تواند بفهمد نمایش پرجزیات امعا و احشای رزمندگان مجروح در حال شهادت و حرکات محیرالعقول دکتر نابینای داستان برای درمان آنها چه کارکردی دارد. در همین چارچوب به شدت سانتی‌مانتال و بی‌ربط است که بیرون آمدن چندین‌باره همسر دکتر نابینا از پناهگاه و به خطر انداختن جان تمام پناه‌گرفتگان در این پناهگاه برای تهیه کمک‌های اولیه درمانی برای رزمندگان را شاهدیم، گو اینکه خالم دکتر داستان نذر کرده که حتما به نحوی پای نیروهای دشمنم را به پناهگاه باز کند تا تعلیق داستان به اوج برسد. سوال بزرگ نهایی این است که این همه بر مبنای چه اصلی معنا می‌یابند؟ این همه فداکاری غلوشده باید چه هدفی را توجیه کند؟ به ظن این قلم پرویز شیخ‌طادی در بی‌تازماش موضوع به شدت جذاب جنگ را بر گزیده اثر آنکه درک درست و عمیقی از مفهوم رجوع سینمایی به جنگ و تاریخ و تنیدگی‌اش با ذهنیات و واقعیت‌های روز داشته باشد و در پی همین رویکرد به جای بیان امروزی و قابل درک سوزناش قطعه‌ای منجمدشده از سینمای دهه ۶۰ جامانده در صندوقچه سینمای‌اش را تحت عنوان «روزهای زندگی» روانه پرده سینما کرده است.

سال	استان تهران	سایر استان‌ها	کشور
۱۳۷۱	۱۶/۵۲۷/۱۰۹	۳۷/۵۰۳/۶۳۶	۵۴/۰۳۰/۷۴۵
۱۳۷۲	۱۶/۳۷۴/۴۴۴	۳۸/۴۳۴/۷۰۶	۵۴/۸۰۹/۱۵۰
۱۳۷۳	۱۷/۰۱۷/۳۴۲	۳۹/۱۵۰/۰۹۲	۵۶/۰۳۲/۴۳۴
۱۳۷۴	۱۴/۸۴۲/۶۵۶	۳۷/۶۵۰/۷۳۶	۵۲/۴۹۳/۳۹۲
۱۳۷۵	۱۳/۲۰۹/۰۵۰	۳۱/۵۵۱/۲۱۷	۴۴/۷۶۰/۲۶۷
۱۳۷۶	۱۰/۸۸۴/۱۴۷	۲۸/۹۴۶/۳۹۹	۳۹/۸۳۰/۵۴۶
۱۳۷۷	۹/۷۹۳/۷۸۹	۲۱/۰۲۲/۱۳۶	۳۰/۸۱۵/۹۲۵
۱۳۷۸	۱۲/۲۱۰/۳۴۶	۲۱/۶۱۹/۵۷۰	۳۳/۸۲۹/۹۱۶
۱۳۷۹	۱۲/۹۲۶/۴۵۴	۱۹/۹۷۹/۱۷۹	۳۲/۹۰۵/۶۳۳
۱۳۸۰	۹/۰۹۲/۱۸۹	۱۲/۵۲۲/۹۲۹	۲۱/۶۱۵/۱۱۸
۱۳۸۱	۸/۸۶۱/۸۲۴	۸/۹۵۵/۸۹۳	۱۷/۸۱۷/۷۱۷
۱۳۸۲	۶/۸۲۴/۳۰۸	۶/۴۲۷/۲۵۲	۱۳/۲۵۱/۷۶۰
۱۳۸۳	۸/۸۶۸/۸۳۷	۷/۰۷۷/۱۱۲	۱۶/۶۳۹/۰۴۹
۱۳۸۴	۸/۰۹۳/۴۰۲	۷/۰۴۳/۴۶۰	۱۵/۱۳۶/۸۶۲
۱۳۸۵	۸/۵۴۶/۷۸۱	۷/۴۰۸/۴۹۷	۱۵/۹۵۵/۲۷۸
۱۳۸۶	۷/۳۹۰/۱۶۶	۶/۹۰۹/۳۴۶	۱۴/۲۹۹/۵۱۲
۱۳۸۷=	۸/۰۰۰/۰۰۰	۷/۰۰۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۰/۰۰۰
۱۳۸۸=	۸/۵۰۰/۰۰۰	۹/۰۰۰/۰۰۰	۱۷/۵۰۰/۰۰۰
۱۳۸۹=	۵/۰۰۰/۰۰۰	۶/۰۰۰/۰۰۰	۱۱/۰۰۰/۰۰۰
۱۳۹۰=	۶/۶۰۰/۰۰۰	۷/۴۰۰/۰۰۰	۱۴/۰۰۰/۰۰۰

کشور	جمعیت	تعداد مخاطب سینما	میانگین سرانه مخاطب سال ۲۰۰۹
هند	۱/۲۰۷/۰۰۰/۰۰۰	۲/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲/۴۱
چین	۱/۳۳۴/۰۰۰/۰۰۰	۲۱۹/۰۰۰/۰۰۰	۰/۱۶
ژاپن	۱۲۸/۰۰۰/۰۰۰	۱۷۰/۰۰۰/۰۰۰	۱/۳
کره‌جنوبی	۴۹/۰۰۰/۰۰۰	۱۵۷/۰۰۰/۰۰۰	۳/۲۲
فیلیپین	۹۲/۰۰۰/۰۰۰	۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۱/۷۴
اندونزی	۲۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۰/۲۲
مالزی	۲۸/۰۰۰/۰۰۰	۴۴/۰۰۰/۰۰۰	۱/۵۹
تایلند	۶۷/۰۰۰/۰۰۰	۲۷/۰۰۰/۰۰۰	۰/۳۰
تایوان	۲۳/۰۰۰/۰۰۰	۲۴/۰۰۰/۰۰۰	۱/۰۲
سنگاپور	۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۲/۰۰۰/۰۰۰	۴/۶۳
هنگ‌کنگ	۷/۰۰۰/۰۰۰	۲۰/۰۰۰/۰۰۰	۲/۹
ایران	۷۵/۰۰۰/۰۰۰	۱۱/۰۰۰/۰۰۰	۰/۱۵
امارات	۵/۰۰۰/۰۰۰	۹/۰۰۰/۰۰۰	۱/۸
بحرین	۸۰۰/۰۰۰	۲/۲۰۰/۰۰۰	۲/۸
کویت	۳/۵۰۰/۰۰۰	۲/۲۰۰/۰۰۰	۰/۷
لبنان	۳/۸۰۰/۰۰۰	۲/۲۰۰/۰۰۰	۰/۵
قطر	۱/۲۰۰/۰۰۰	۱/۵۰۰/۰۰۰	۱/۳

کشور	جمعیت	تعداد مخاطب سینما	میانگین سرانه مخاطب سال ۲۰۰۹
آمریکا	۳۰۷/۰۰۰/۰۰۰	۱/۳۴۴/۰۰۰/۰۰۰	۴/۳
مکزیک	۱۰۵/۴۰۰/۰۰۰	۱۷۸/۰۰۰/۰۰۰	۳/۱۶
برزیل	۱۹۴/۴۰۰/۰۰۰	۱۱۳/۰۰۰/۰۰۰	۰/۵۸
کانادا	۳۳/۶۰۰/۰۰۰	۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰	۳/۲
آرژانتین	۴۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۸/۳۰۰/۰۰۰	۰/۸۳
کلمبیا	۴۹/۰۰۰/۰۰۰	۲۷/۳۰۰/۰۰۰	۰/۵۶
ونزوئلا	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۲۲/۰۰۰/۰۰۰	۰/۷۸
پرو	۲۹/۰۰۰/۰۰۰	۱۸/۵۰۰/۰۰۰	۰/۶۵
شیلی	۱۷/۰۰۰/۰۰۰	۱۱/۹۰۰/۰۰۰	۰/۷۱
بولیوی	۱۰/۲۰۰/۰۰۰	۱/۷۰۰/۰۰۰	۰/۱۷

کشور	جمعیت	تعداد مخاطب سینما	میانگین سرانه مخاطب سال ۲۰۰۹
فرانسه	۶۴/۷۰۰/۰۰۰	۲۰۰/۹۰۰/۰۰۰	۳/۱۱
انگلستان	۶۱/۲۰۰/۰۰۰	۱۷۳/۵۰۰/۰۰۰	۲/۸۳
آلمان	۸۱/۹۰۰/۰۰۰	۱۴۶/۳۰۰/۰۰۰	۱/۷۹
روسیه	۱۴۱/۴۰۰/۰۰۰	۱۳۸/۵۰۰/۰۰۰	۰/۹۸
ایتالیا	۵۹/۸۰۰/۰۰۰	۱۱۱/۲۰۰/۰۰۰	۱/۸۹
اسپانیا	۴۶/۱۰۰/۰۰۰	۱۰۹/۵۰۰/۰۰۰	۲/۳۸
لهستان	۲۸/۰۰۰/۰۰۰	۳۹/۱۰۰/۰۰۰	۱/۰۳
ترکیه	۷۰/۴۰۰/۰۰۰	۳۶/۹۰۰/۰۰۰	۰/۵۲
هلند	۱۶/۶۰۰/۰۰۰	۲۷/۳۰۰/۰۰۰	۱/۶۵
بلژیک	۱۰/۸۰۰/۰۰۰	۲۲/۶۰۰/۰۰۰	۲/۲۰
اتریش	۸/۴۰۰/۰۰۰	۱۸/۴۰۰/۰۰۰	۲/۲۰
ایرلند	۴/۴۰۰/۰۰۰	۱۷/۰۰۰/۰۰۰	۳/۹۷
سوند	۹/۳۰۰/۰۰۰	۱۷/۴۰۰/۰۰۰	۱/۹
پرتغال	۱۰/۶۰۰/۰۰۰	۱۵/۷۰۰/۰۰۰	۱/۴۸
سوئیس	۷/۸۰۰/۰۰۰	۱۳/۸۶۰/۰۰۰	۱/۹۷
دانمارک	۵/۵۰۰/۰۰۰	۱۳/۹۰۰/۰۰۰	۲/۵
چک	۱۰/۵۰۰/۰۰۰	۱۲/۵۰۰/۰۰۰	۱/۲
یونان	۱۱/۱۴۰/۰۰۰	۱۲/۳۰۰/۰۰۰	۱/۲
مجارستان	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۰/۶۰۰/۰۰۰	۱/۱
فنلاند	۵/۴۰۰/۰۰۰	۶/۷۰۰/۰۰۰	۱/۳
رومانی	۲۱/۵۰۰/۰۰۰	۵/۳۰۰/۰۰۰	۰/۲
اسلواکی	۵/۴۰۰/۰۰۰	۴/۱۰۰/۰۰۰	۰/۸
کروات	۴/۴۰۰/۰۰۰	۳/۳۰۰/۰۰۰	۰/۷
بلغارستان	۹/۳۰۰/۰۰۰	۳/۲۰۰/۰۰۰	۰/۳
اسلونی	۲/۱۰۰/۰۰۰	۲/۸۰۰/۰۰۰	۱/۴
ایسلند	۳۰۰/۰۰۰	۱/۷۰۰/۰۰۰	۵/۳

کشور	جمعیت	تعداد مخاطب سینما	میانگین سرانه مخاطب سال ۲۰۰۹
استرالیا	۲۱/۶۰۰/۰۰۰	۹۰/۷۰۰/۰۰۰	۴/۲۰

کشور	جمعیت	تعداد مخاطب سینما	میانگین سرانه مخاطب سال ۲۰۰۹
آفریقا جنوبی	۴۹/۲۰۰/۰۰۰	۲۶/۱۰۰/۰۰۰	۰/۵۴
مصر	۷۶/۵۰۰/۰۰۰	۲۵/۶۰۰/۰۰۰	۰/۳۴
مراکش	۳۱/۹۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰	۰/۰۹
الجزایر	۳۵/۳۰۰/۰۰۰	۳۰/۰۰۰	۰/۰

منبع: نشریه فوکوس ۲۰۱۰ مرکز سمعی و بصری اتحادیه اروپا

سینمای ایران

آمار از کاهش مخاطب حکایت می‌کند

هر ایرانی ۱۵ دقیقه حضور سالانه در سینما

امیرحسین علم‌الهدی



عکس: آیدین رهبر شرق

اخیرا زیاد می‌شنویم که سینمای ایران جزو ۱۰ سینمای برتر جهان است!خ ب‌عادت کرده‌ایم که بدون ارزیابی شاخص‌ها در گفتمان فرهنگی و هنری‌مان خود را بهترین بدانیم و فارغ از معایب‌مان خود را سراسر حسن بدانیم!اگر به درستی خود و جایگاه و معایب‌مان را توانیم شناسایی کنیم و همانند آن کبکی می‌مائیم که فقط خود را می‌بینیم و ترجیح می‌دهیم که خودمان را با خودمان بسنجیم نه با جهان بیرومونما! قصدم تحقیر و ناچیز انگاشتن دستاوردهای سینمای ایران نیست اما نمی‌توانم چشم‌مان را بر واقعیت ببندم و خود را برترین نامم. شاخص‌های مواجه مردم با سینمای ایران طی دو دهه اخیر افت فاحشی داشته است و به نظر می‌رسد ارادای برای ارتقای این رابطه وجود ندارد و همگی ترجیح می‌دهیم در آمار تولید صد فیلم سالانما به‌خسبیم و همه‌جا با افتخار اعلام کنیم که سینمای‌مان بهترین‌هاست و به‌به و چه‌چه!
دلایل سیر نزولی مخاطب در دهه‌های اخیر بر همگان روشن است و چنانچه مقصر اصلی را دولت‌ها بنامیم اما نمی‌توانیم از نقش سینماگرانمان نیز غافل شویم که در این کاهش رابطه مخاطب و سینما آنها هم نقش بسزایی داشته‌اند!اگر نگاهی به سیر کاهش کیفیت اغلب فیلم‌های سینمایی طی دو دهه گذشته بیندازیم متوجه موضوع می‌شویم و به نظر می‌رسد که تولیدکنندگان نیز به این نتیجه رسیده‌اند که به‌دنبال سود در حوزه نمایش سینمایی نباید بود و چه بهتر در زمان تولید سود خود را ببرند و سختی‌های زمان توزیع و نمایش را به جان خریدار نباشند.دولتمردانمان نیز که در زمان‌هایی نتوانستند تعامل خوبی را با سینماگران داشته باشند چنان دچار روزمرگی شدند و گرفتار دستگاه‌های نظارتی و قضایی و… بودند که ترجیح دادند به جای درست کردن سینما یا بروند یا بمانند و نقش ناظر دلسوزی را بازی کنند و همین‌اخر!ا هم که باب شده مسوول سینما خود نقش اپوزیسیون را بگیرد و خود از مشکلات سینما شکوه کند.

شاخص فرهنگی‌مان این است در سینما: هر ایرانی در سال حدود ۱۵ دقیقه فیلم در سالن‌های سینما می‌بیند و این یعنی هر ایرانی هر شش سال یکبار سینما می‌رود. در جدول‌های کنای می‌بینیم در قاره‌های پنج‌گانه جهان چه خبر است. متأسفانه از میان ۵۸ کشور، رده پایین‌تری از رده ۵۵ در شأن سینمای ایران نیست و نگران سال ۹۱ هستم که با این وضعیت پیش‌رو به مخاطب هشت تا ۱۰ میلیون برسیم و رده‌مان نیز در سطح جهانی به آخرین رتبه نزول کند و این به این معناست که هر ایرانی در طول هر ۹ سال یکبار به سینما می‌رود. چه کنیم؟ سینما نیاز به نقشه راه در اسناد بالادستی نظام دارد و چنانچه سینما و در شکل کلان‌تر آن فرهنگ و هنر به یک سیاست روشن و دارای هارمونی همخوان در برنامه‌های پنج، ۱۰ و ۱۵ ساله نرسد متأسفانه افق پیش‌رو روشن نخواهد بود و چارای نداریم که این ابزار قدرتمند رسانه‌ای عصر حاضر را که به هنر و صنعت نیز تجهیز است، حسب فرمایش مقام معظم رهبری دارای نقشه راه کنیم تا بتوانیم منویات دینی‌مان و فرهنگ ایران عزیزمان را به طوری که در شأن مردمانمان است، در داخل کشور و خارج کشور ارایه کنیم.

جدول ۱۵۰۹	افقی:	عمودی:
۱- آدم زرنگ و تودار- هلی‌کوپتر	۱- درها- چیزی که مستنی آورد- زینهار ۲- حواله-	۱- درها- چیزی که مستنی آورد- زینهار ۲- حواله-
۲- تفنگ قدیمی- اجاره‌نشین-	۲- تفنگ قدیمی- اجاره‌نشین-	۲- تفنگ قدیمی- اجاره‌نشین-
جامعه‌شناس فرانسوی ۳- نوعی عدسی- عاقل،	۳- ترکیب آهن و اکسیژن- سدی در استان	۳- ترکیب آهن و اکسیژن- سدی در استان
فهمیده- مشکین‌شهر سابق ۴- اسب ترک- نوعی	۴- مجموعه‌ای از نشانه‌های ارتباطی-	۴- مجموعه‌ای از نشانه‌های ارتباطی-
خواهر و برادر-	۵- کوهستانی در آمریکای جنوبی- پیامبر	۵- کوهستانی در آمریکای جنوبی- پیامبر
انسان‌های بسیار باهوش ۵- شهر کوه‌سنگی- خدای	۶- قمر زمین- طول شلوار از خشک تا کمر-	۶- قمر زمین- طول شلوار از خشک تا کمر-
هندو ۶- قمر زمین- طول شلوار از خشک تا کمر-	۷- بوسه ایدار- آوردن- ادب سیاسی ۸- نروس-	۷- بوسه ایدار- آوردن- ادب سیاسی ۸- نروس-
غالب ۷- بوسه ایدار- آوردن- ادب سیاسی ۸- نروس-	۹- خوراکی از تخم‌مرغ- آلبازی از مس و نیکل ۹- گیاه	۹- خوراکی از تخم‌مرغ- آلبازی از مس و نیکل ۹- گیاه
دارویی- ناامید- نشانه ۱۰- آشکار بودن- پرنده آش	۱۱- پول خرد هندوستان ۱۱- جایی که سقف	۱۱- پول خرد هندوستان ۱۱- جایی که سقف
سرد کن- پول خرد هندوستان ۱۱- جایی که سقف	۱۲- دانه سحرآمیز ۱۲- وصف کردن- زیر	۱۲- دانه سحرآمیز ۱۲- وصف کردن- زیر
داشته باشد- دانه سحرآمیز ۱۲- وصف کردن- زیر	۱۳- خاک پنهان کردن- ستارهای خرد- زمینه موسیقی	۱۳- خاک پنهان کردن- ستارهای خرد- زمینه موسیقی
۱۳- می‌آیم خودمانی- جمع شیخ- لبه شمشیر	۱۴- بله- بی‌مثل و مانند- تکیه کردن ۱۵- با چنین	۱۴- بله- بی‌مثل و مانند- تکیه کردن ۱۵- با چنین
۱۴- بله- بی‌مثل و مانند- تکیه کردن ۱۵- با چنین	دشمنی باید خسمانه رفتار کرد- مکتب خیال‌پردازان	دشمنی باید خسمانه رفتار کرد- مکتب خیال‌پردازان

حل جدول ۱۵۰۸	سودوکو ۵۱۲	سودوکو ۵۱۲	سودوکو ۵۱۲	حل سودوکو ۵۱۲	سودوکو ۵۱۲
 	 	 	 	 	 <